

در حوزه تقنین، برخی به قانون‌نویسی درباره اصل ۲۷ نگاه حداقلی دارند و متن اصل ۲۷ را کافی می‌دانند؛ در نتیجه به تدوین قانون جدید در این باره نیازی نمی‌بینند اما برخی نیز دیدگاه حداکثری دارند؛ چراکه دستگاه‌های اجرایی و جامعه هم با اقتضانات و واقعیاتی مواجه است. از یک سو، دستگاه‌های اجرایی ملاحظاتی سیاسی و نگرانی‌های امنیتی دارند و در دیگر سو، مردم اعتراض را در هر شرایطی حق خود می‌دانند. اگر بخواهیم همدلانه نگاه کنیم و در اجرای اصل ۲۷ نسبت به گذشته دست کم یک گام به پیش برویم، آیا کماکان باید مدافع نظارت پسینی و عدم مجوزمحوری باشیم؟

بیژن عباسی: به نظر من برای برداشتن یک گام به پیش، دولت باید با هدف تسهیل اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی، لایحه‌ای تهیه کند و در آن لایحه، شرط «عدم اخلال به مبانی اسلام» را به روشنی تعریف کند. باید واضح شود که «اخلال» چیست و «مبانی اسلام» کدام‌اند، بعد به هر تجمعی که با تعریف «عدم اخلال به مبانی اسلام» سازگار بود، مجوز داده شود. اگر هم قرار است کمیته یا کمیسیون برای برگزاری تجمعات تشکیل شود در ترکیب آن از نهادهای مدنی مانند احزاب، سمن‌ها، سندیکاها، کانون و کلای دادگستری و روزنامه‌نگاران هم حضور داشته باشند. البته تأکید می‌کنم که شخصاً به مجوزمحوری معتقد نیستم. حامد کرمی: حقوق واقعاً خیلی متواضعانه و حداقلی مطالبات را پیگیری می‌کند؛ باید افتان و خیزان رفت تا کوی دوست. دیگران چهارصد سال برای امروزشان زحمت کشیدند، ما هم باید زحمت بکشیم و از سختی امور نهراسیم. رسیدن به نقطه پذیرش دیگری و تکثیر کار سختی است و زحمت فراوان دارد، اما باید این مسیر را طی کرد. تا دیگری و تکثیر پذیرفته نشود، اصل ۲۷ به درستی امکان اجرا نمی‌یابد. اما نه تنها تکثیر اعتقادی و عقیدتی بلکه در مواقعی تکثیر سیاسی میان اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان نیز پذیرفته نیست. اگر تکثیر پذیرفته شود، اعتراض اصولگرایان به اصلاح‌طلبان و اعتراض اصلاح‌طلبان به اصولگرایان هم پذیرفتنی و حق خواهد بود.

حال چه کنیم که اصل ۲۷ به نحو شایسته‌تری اجرا شود؟ به نظرم به عنوان یک اقدام ضروری و حداقلی باید آن مصوبه تعیین مکان‌های تجمع و اعتراض را زنده کنیم؛ چون بخش عمده دموکراسی، محصول فهم و درک و برابند جامعه است. نمونه درست اعتراض را ارائه نکردیم که مردم هم یاد بگیرند. درصدی از افراد فکر می‌کنند که اعتراض یعنی زدوخورد و فحش و فحش‌کاری! حکومت هیچ‌وقت نیامده است یک مصداق و مثال و برگزاری درست اعتراض را نشان دهد. صداوسیما گزارش بدهد که در این زمینه چنین کارهایی صورت گرفته است. از مرحوم دکتر کاتوزیان نقل شده است که اگر بهترین قانون دنیا را برای اجرا به دست یک مجری غیرصالح و بی‌صلاحیت بسپری آن را به بدترین شکل اجرا می‌کند و اگر بدترین قانون دنیا را به یک مجری صالح بدهید به بهترین وجه اجرا می‌کند. اکنون با همین قانون ناقص هم می‌توان کار را یک قدم به جلو برد. مکان‌هایی مشخص شود و به احزاب شناسنامه دار مجوز داده شود. باید آن نگاه امنیتی صرف کنار گذاشته شود. حداقل سالی ده تا اعتراض خواهیم داشت. ده تا تجمع خواهیم داشت. نمی‌گوییم که مثل فرانسه هر روز به خیابان بیایند و اعتراض کنند، ولی ده مورد داشته باشیم که به نتیجه هم برسد. چرا اعتراض‌ها نگران شویم؟ کانون صنفی بازنشستگان اعتراض کردند و توانستند هم با وزیر جلسه بگذارند و هم با رئیس سازمان تأمین اجتماعی. درخواست و اعتراضشان به نتیجه رسید و افزایش حقوقشان نیز صورت گرفت. در حال حاضر فضا طوری شده که می‌گویند خودش را بیاور و اسمش را نه. الان این طوری شده که ما هم پیاز را می‌خوریم و هم چوب را. باید «فرهنگ اعتراض» را ترویج کنیم و به مرور توسعه دهیم